آتش‌سوزی در بازار سید ولی تهران

فرهیختگان: آتش‌سوزی در بازار سیدولی تهران دو مغازه کفاشی را در این بازار به آتش کشاند. این حادثه که ساعت ۸:۴۵ صبح دیروز رخ داد نیروهای چهار ایستگاه آتش‌نشانی را به محل حادثه کشاند.
با حضور آتش‌نشانان در محل حادثه مشاهده شد در طبقه دوم یک پاساژ پنج طبقه دو باب مغازه کفاشی مملو از مواد اولیه چسب و فوم شعله‌ور شده است.
حضور چهار نفر از کارگران شیفت شب کفاشی در محل باعث شد آتش‌نشانان هر چهار نفر کارگر دودزده را به پشت‌بام پاساژ تجاری منتقل و سپس تا ساعت ۹:۴۰ آتش را اطفا کنند.

محکمه

قاتل به قصاص و شلاق محکوم شد

قتل دختر جوان برای رهایی از تهدید او به خودکشی!

فرهیختگان| مرد جوان که دختر مورد علاقه‌اش را کشته و جنازه او را در گودالی در شهرک پرند رها کرده بود دیروز پای میز محاکمه ایستاد و سناریوی جدیدی مطرح کرد. این مرد ادعا کرد دختر جوان با خوردن نوشیدنی مسموم خودکشی کرده است.

شامگاه هفدهم اردیبهشت ۹۲ یک مرد جوان به کلانتری ۱۲۷ نارمک تهران رفت و گفت: «خواهر ۲۵ساله‌ام مریم که کارمند سازمان میراث فرهنگی در خیابان آزادی است از محل کارش به خانه برنگشته و ناپدید شده است. بارها با شماره موبایل خواهرم تماس گرفتم اما هیچ جوابی نشنیدم تا اینکه یک مرد آن را جواب داد و گفت: گوشی موبایل خواهرم را به‌طور اتفاقی مقابل در غربی استادیوم آزادی پیدا کرده است.»

مرد پریشان احوال ادامه داد: «خواهرم به یکی از همکارانش به نام مصطفی علاقه‌مند شده و تا مدتی پیش قرار بود با هم ازدواج کنند، اما خواهرم به دلیلی که ما از آن بی‌اطلاع هستیم از ازدواج با همکارش منصرف شده بود. به همین دلیل مصطفی از دو ماه پیش خواهرم را تهدید می‌کرد.»

به دنبال اظهارات این مرد پرونده به پلیس آگاهی سپرده شد و «مصطفی» در حالی بازداشت شد که تحقیق میدانی نشان می‌داد مصطفی و مریم تا دوماه پیش نزد همکاران‌شان از خواستگاری و قول و قرار ازدواج صحبت می‌کردند، اما به یک‌باره از ازدواج منصرف شدند.

با روشن شدن این موضوع تحقیقات روی مصطفی متمرکز و روشن شد این مرد دو سال پیش همسرش را طلاق داده و این ماجرا را به مریم نگفته بود. با افشای این ماجرا مصطفی لب به اعتراف گشود و گفت: «دو سال پیش به خاطر اختلاف خانوادگی، از همسرم جدا شدم. مدتی بعد در محل کارم با مریم آشنا و به او علاقه‌مند شدم. من اما در این مدت به مریم نگفته بودم که یک بار ازدواج کرده‌ام و پسری ۱۰ ساله دارم.»

وی ادامه داد: «در حالی که با مریم قول و قرار ازدواج گذاشته بودم زن سابقم به سراغم آمد و گفت حاضر است به خاطر فرزندمان، دوباره با من ازدواج کند. من هم به اصرار بستگانم، پیشنهاد زن سابقم را قبول کردم، ولی مریم ماجرا را فهمید و درگیری ما آغاز شد. مریم مدام تهدیدم می‌کرد به همین خاطر وقتی به دیدنش رفته بودم با هم درگیر شدیم و من او را داخل ماشینم خفه کردم.» سپس جنازه را در فاز ۶ شهر جدید پرند به گودال انداختم و روی آن خاک ریختم.»

به دنبال اعتراف‌های تکان‌دهنده این مرد، بقایای پیکر دختر جوان پس از ۱۹روز پیدا و با هماهنگی قضایی به پزشکی قانونی فرستاده شد.

مصطفی دیروز در حالی در شعبه ۷۱دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه ایستاد که ادعای تازه‌ای مطرح کرد.

وقتی متهم پشت تریبون دفاع ایستاد، گفت: «من به مریم نگفته بودم که قبلا ازدواج کرده‌ام، اما همه مدارک کارکنان شرکت در اختیار او بود و من گمان می‌کردم او به ماجرا پی برده است. او به من علاقه‌مند شده بود و قصد ازدواج داشت، اما وقتی فهمید با زنم آشتی کرده‌ام مرا تهدید کرد. داخل ماشین در حال بحث بودیم که مریم گفت اگر از زن سابقم جدا نشوم و با او ازدواج نکنم خودش را می‌کشد. من که فکر می‌کردم حرف‌هایش یک تهدید است به او اهمیتی ندادم. او هم از بطری‌ای که همراهش بود سر کشید. نمی‌دانم بطری حاوی چه موادی بود که چند دقیقه بعد بیهوش شد. من هم که منتظر فرصتی بودم تا از تهدیدهای مریم خلاص شوم او را با شال خودش خفه کردم.»

در پایان این جلسه هیات قضایی وارد شور شد و «مصطفی» را به قصاص و ۹۹ضربه شلاق محکوم کرد.

متهم در دادگاه اعتراف کرد

شکنجه و قتل نوعروس ۱۷ساله با سیخ داغ و کمربند

فروغ طباطبایی| مرد شکنجه‌گر که به‌خاطر سوختن غذا، همسر ۱۷ ساله‌اش را کشته بود، دیروز پای میز محاکمه ایستاد و گفت: «تحت‌تاثیر مصرف مواد همسرم را با سیخ داغ سوزانده بودم اما قصد کشتن او را نداشتم.»

رسیدگی به این ماجرا از یازدهم آذر ۹۲ به دنبال مرگ مغزی یک نوعروس ۱۷ساله در بیمارستان بعثت در دستور کار افسران کلانتری ۱۵۷ مسعودیه قرار گرفت.

آثار کبودی و سوختگی روی بدن زن جوان نمایان بود که اعضای بدنش با رضایت خانواده‌اش به چندین بیمار نیازمند اهدا شد.

در آن بین پدر و مادر زهرا که به‌شدت گریه می‌کردند به پلیس گفتند: «دامادمان «غفار» ۲۳ ساله، معتاد است. او بارها دخترمان را کتک زده و شکنجه کرده است. حالا هم شک نداریم که دامادمان دخترمان را کتک زده و موجب مرگش شده است.»

به دنبال اظهارات پدر و مادر قربانی، غفار بازداشت شد. مرد معتاد در بازجویی‌ها به کشتن همسرش اعتراف کرد و گفت: «وقتی فهمیدم زنم غذا را سوزانده عصبانی شدم و با کمربند او را کتک زدم. من که مواد مخدر مصرف کرده بودم و حال طبیعی نداشتم سر زهرا را به دیوار کوبیدم که یک ساعت بعد بیهوش شد. بلافاصله او را به بیمارستان رساندم اما کار از کار گذشته بود.»

به دنبال اعتراف‌های تکان‌دهنده مرد معتاد، او دیروز در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی باقری و با حضور چهار مستشار پای میز محاکمه ایستاد و منکر قتل عمدی شد.

در ابتدای این جلسه پدر و مادر مقتول در جایگاه ویژه ایستادند و برای دامادشان حکم قصاص خواستند.

نوبت دفاع به متهم که رسید منکر قتل عمدی همسرش شد و گفت: «قبول دارم همسرم را کتک زدم و دستش را با سیخ داغ سوزاندم اما من همسرم را نکشتم.»

او در تشریح جزئیات حادثه گفت: «ساعت ۱۱ صبح نهم آذرماه در خانه در حال استراحت بودم که با بوی سوختگی غذا که در خانه پیچیده بود بیدار شدم. فهمیدم همسرم بعد از درست کردن غذا خوابش برده و فراموش کرده است زیر قابلمه غذا را خاموش کند. من که خیلی عصبانی شده بودم چند سیلی به صورت «زهرا» زدم و با کمربند به جانش افتادم. چند دقیقه بعد سراغ مواد مخدر رفتم و تریاک کشیدم. روی گاز برای خودم بادمجان کباب می‌کردم که زهرا پیشم آمد و به خاطر سوزاندن غذا از من عذرخواهی کرد، اما من که هنوز عصبانی بودم سیخ داغ را روی دستش گذاشتم و او را به سمت آشپزخانه هل دادم. من قصد کشتن همسرم را نداشتم و نمی‌دانم چطور سرش با دیوار برخورد کرد و چند دقیقه بعد بی‌حال شد.»

او گفت: «من قبلا هم تحت تاثیر مصرف مواد مخدر او را سوزانده و شکنجه کرده بودم اما باور کنید به او علاقه‌مند بودم و هرگز نمی‌خواستم او را بکشم.»

در پایان این جلسه هیات قضایی وارد شور شد و غفار را به قصاص محکوم کرد. این رای تا ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی است.

مادر مقتول:

تفاضل دیه را می‌دهم تا دامادم قصاص شود

مادر زهرا در حالی که چادرش را روی صورتش کشیده بود و به آرامی گریه می‌کرد روی صندلی راهروی دادگاه نشسته بود. او در گفت‌وگو با خبرنگار فرهیختگان گفت: «فقط یک‌سال و نیم از ازدواج دخترم با غفار گذشته بود که کشته شد.» این زن درباره نحوه ازدواج دخترش با غفار گفت: «وقتی دخترم ۱۵ سال داشت غفار که پسرعموی همسرم است به خواستگاری‌اش آمد. زهرا خودش هم به غفار علاقه داشت برای همین با ازدواج آنها موافقت کردیم. چند ماه از ازدواج دخترم نگذشته بود که از طریق همسایه‌های دخترم متوجه شدیم غفار معتاد شده و دخترم را کتک می‌زند و شکنجه می‌دهد. دخترم اما حرفی از شکنجه‌های شوهرش نمی‌زد. سه ماه از ازدواج دخترم با غفار گذشته بود که به خانه او رفتم و زهرا را با سر و صورت کبود در خانه دیدم. دخترم نمی‌خواست از بدرفتاری‌های شوهرش حرفی بزند، اما چون به او اصرار کردم گفت شوهرش او را کتک زده است. از آن روز به بعد دیگر غفار اجازه نداد به خانه آنها برویم. دخترم حتی جرات نداشت با من و پدرش تلفنی صحبت کند. من و شوهرم حاضریم تفاضل دیه را بپردازیم تا قاتل دخترمان قصاص شود. ما به هیچ قیمتی رضایت نمی‌دهیم.»

متهم:

زنم را شکنجه نمی‌کردم با سیخ می‌سوزاندمش!

چند سال داری؟
۲۴سال اما موقع قتل همسرم ۲۳ساله بودم.
چقدر درس خوانده‌ای؟
دیپلم دارم.
اهل کجایی؟
شهرستان نهاوند. چند سالی بود که برای کار به تهران آمده بودم.
چطور شد که معتاد شدی؟
سر ساختمان چند نفر از کارگران معتاد بودند. آنها مواد را به من تعارف کردند و من هم بعد از چند ماه وابسته شدم.
رابطه‌ات با همسرت چطور بود؟
من زنم را دوست داشتم و اختلافی با هم نداشتیم.
پس چرا کتکش می‌زدی و شکنجه می‌کردی؟
وقتی عصبانی می‌شدم کنترل اعصابم را از دست می‌دادم. من همسرم را شکنجه نکرده بودم.
چرا پزشکی قانونی آثار سوختگی روی بدن همسرت را تایید کرده است؟
وقتی در حال مصرف مواد بودم با سیخ داغ همسرم را می‌سوزاندم، اما بلافاصله پشیمان می‌شدم و از او عذرخواهی می‌کردم.
می‌دانی چه حکمی در انتظارت است؟
شاید قصاص.

گزارش کوتاه

طراح و اجرا کنندگان این سناریو دستگیر شدند

سناریوی عجیب دخترخاله برای بی‌عرضه نشان دادن خواستگار

دخترخاله شیاد وقتی دید پسرخاله‌اش به خواستگاری او آمده است، نقشه زورگیری و اخاذی از او را طراحی کرد.

چند روز پیش پسر جوانی به نام رامین به کلانتری ۱۱۲ ابوسعید مراجعه کرد و به ماموران تجسس گفت: «پنجم دی بود که گوشی دخترخاله‌ام را که به تازگی به خواستگاری او رفته بودم، گرفتم تا برای تعمیرات به مغازه خدمات گوشی‌های همراه ببرم.»

وی ادامه داد: «پس از تعمیر گوشی هنگام برگشتن به سمت منزل خاله‌ام دو جوان موتورسوار من را با تهدید چاقو متوقف کرده و با ضرب و شتم گوشی دخترخاله‌ام را گرفتند و متواری شدند.»

پسر جوان افزود: «من که بسیار از این موضوع ناراحت شده بودم به خانه خاله‌ام رفتم و حادثه را برای آنها توضیح دادم که دخترخاله‌ام با داد و فریاد مرا بی‌عرضه و بی‌مسئولیت خواند و با گریه گفت که عکس‌های خصوصی‌اش در گوشی همراهش بوده است.»

وی افزود: «من که خیلی پشیمان بودم از خانه خاله‌ام بیرون آمدم و در خیابان‌های اطراف شروع به پرسه‌زدن کردم که ناگهان تلفن همراهم زنگ خورد، شماره دخترخاله‌ام بود. دزدان در تماس تلفنی گفتند که اگر می‌خواهم تلفن همراه را بازگردانند، باید مقداری پول با خود به خیابان فرهنگ بیاورم.» پسر جوان افزود: «سریع پول مورد نظر را تهیه کردم و به راه افتادم، اما پس از ملاقات با دو پسر زورگیر، آنها دوباره مرا مورد ضرب و شتم قرار دادند و با سرقت تمام اموال باارزشم، از محل متواری شدند.» این پسر قربانی افزود: «من که قبل از رفتن به دخترخاله‌ام گفته بودم قرار است تلفن همراهش را برایش بیاورم، دوباره با این حادثه خجالت می‌کشیدم که در چشمانش نگاه کنم. به همین دلیل در اطراف خانه‌شان در حال قدم زدن بودم که ناگهان متوجه دو جوان زورگیر مقابل خانه خاله‌ام شدم.» وی گفت: «دقت که کردم فهمیدم دو جوان زورگیر با دخترخاله‌ام در کنار خانه‌شان مشغول گفت‌وگو هستند و پس از چند دقیقه صحبت محل را ترک کردند.» پس از اظهارات پسر جوان، ماموران کلانتری دخترخاله شیاد را دستگیر کردند و پس از انتقال به کلانتری مورد بازجویی قرار دادند. او به ماموران گفت: «با طراحی نقشه زورگیری و اجیر کردن دو جوان قصد داشتم پسرخاله‌ام را در برابر دید والدینم بی‌مسئولیت جلوه دهم تا دیگر اصراری بر ازدواج ما نداشته باشند.»

سرهنگ کیومرث حسنوند، رئیس کلانتری ۱۱۲ ابوسعید درباره این خبر به باشگاه خبرنگاران، گفت: «با اعترافات متهم، ماموران موفق شدند دو پسر اجیرشده را نیز شناسایی و همان روز دستگیر و به کلانتری منتقل کنند. با دستگیری دو پسر زورگیر پرونده در اختیار مقام قضایی قرار گرفت.»

شناسایی انبار اموال مسروقه در اصفهان

فرمانده انتظامی استان اصفهان از دستگیری باند سارقان حرفه‌ای منزل و شناسایی بیش از ۱۰۰ میلیون تومان اموال مسروقه از مخفیگاه متهمان خبر داد. سردار عبدالرضا آقاخانی گفت: «در پی کسب خبری مبنی‌بر اینکه سه دستگاه خودروی سواری ساعت سه بامداد ترددهای مشکوکی در یکی از محله‌های شهر اصفهان دارند، اکیپی از ماموران گشت پلیس آگاهی استان برای بررسی موضوع در محل حادثه حاضر شدند.» وی گفت: «بررسی‌های اولیه نشان می‌داد خودروهای مشکوک همه سرقتی هستند و طی دو ماه گذشته در محله‌های مختلف استان به سرقت رفته‌اند.» آقاخانی گفت: «در بازرسی از منزل متهم سابقه‌دار تعداد پنج تخته فرش دستباف، شش دستگاه موتورسیکلت، بیش از ۱۰ قطعه اشیای عتیقه با قدمت تاریخی بالا و سه دستگاه خودروی سواری مسروقه کشف و ضبط شد.»

نوبت اول

آگهی مزایده کتبی

شهرداری رودسر در نظر دارد به استناد بند چهار صورتجلسه شماره ۱۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۳ شورای محترم اسلامی شهر رودسر، پارک شادی به مساحت ۶۱۷۵ مترمربع واقع در رودسر – انتهای خیابان شهدا را برای مدت ۱۰ (ده) سال به صورت اجاره واگذار نماید.
«شرایط شرکت در مزایده»
۱–شرکت‌کنندگان در مزایده می‌بایست مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰۰ ریال به‌عنوان سپرده شرکت و مزایده به صورت نقدی به حساب ۱۱۷۸۸۱۳۸۹۰ بانک ملت به نام شهرداری رودسر واریز یا ضمانت‌نامه یا چک تضمین به شهرداری تسلیم نمایند.
۲–پایه کارشناسی پارک شادی به مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق‌الاجاره ماهیانه که ۲۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال اجاره سالانه آن خواهد شد در ضمن ۵۰ درصد مبلغ قرارداد هرساله به صورت یکجا نقدی (سال اول در موقع تنظیم قرارداد) و ۵۰ درصد مابقی در ۶ قسط دریافت می‌گردد و سالانه ۱۵ درصد به کل مبلغ قرارداد اضافه می‌شود.
۳–محل تحویل اسناد مزایده دبیرخانه شهرداری رودسر می‌باشد که باید اسناد مزایده با واریز مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال تا تاریخ ۹۳/۱۱/۵ از شهرداری خریداری و در پاکات لاک و مهر شده که خود دارای سه پاکت؛ الف) فیش سپرده بانکی ب) اسناد مزایده ج) حاوی رقم پیشنهادی می‌باشد قرار گیرند تحویل گردد.
۴–به پیشنهادات ناقص و مبهم و مشروط ترتیب داده نخواهد شد و همچنین شرکت‌کنندگان باید از متن کامل مفاد قرارداد آینده که در اسناد مزایده موجود می‌باشد، مطلع بوده و مفاد آن را بررسی و مطالعه نمایند.
۵–کلیه هزینه‌ها از جمله عوارض شهرداری، هزینه کارشناسی، پروانه کسب، چاپ آگهی و... برعهده برنده مزایده می‌باشد.
۶–کلیه پیشنهادات می‌بایست از تاریخ انتشار این آگهی تا پایان وقت اداری مورخ ۹۳/۱۱/۵ تحویل دبیرخانه شهرداری رودسر گردیده و رسید دریافت نمائید.
۷–پیشنهادات واصله در ساعت ۱۲ مورخ ۹۳/۱۱/۷ با حضور اعضای کمیسیون معاملات در محل شهرداری رودسر، باز و قرائت خواهد شد. حضور پیشنهاددهندگان در جلسه بازگشایی آزاد می‌باشد.
۸–شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.
۹–سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه به مزایده در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.
۱۰–برندگان اول و دوم و سوم مزایده هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
۱۱–برای کسب هرگونه اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره‌های ۲۰۲۹–۰۱۳۴۲۶۲۲۰۹۰ شهرداری رودسر تماس حاصل نمایند. /ح ۴۱
خداداد قنبرزاده؛ شهردار رودسر

جدول کلمات متقاطع

۱۳۵۶

افقی

۱– فیلمی با هنرنمایی فرامرز قریبیان – نام یکی از پسران رستم ۲– سالشمار – صدای خنده آزاردهنده – شهر انار ۳– واحد بوکس – میزان – لوس ۴– دست عرب – لغزنده – اثر رطوبت – از پیامبران ۵– در حال زاری – فهم – کام دهان ۶– مناجات – صحیح و سالم – دشت ۷– درس نوشتنی – خستگی‌ناپذیر – سوره زنان ۸– سنگینی و متانت – سالن – قسمتی از خانه ۹– زردش هم میوه است – سیر کوهی – نیرو ۱۰– مشتاق – فلز – مادر آذری ۱۱– افشرده گوجه – تلقین‌کننده – فراموش کردن ۱۲– گلخانه – سایه‌گاه – گل نومیدی – همراه شلوار ۱۳– عقب و پشت سر – نوعی میمون – از اسمای حسنی ۱۴– کلمه‌ای درمقام اجابت – علف حصیر – اتفاق و حادثه ۱۵– کالانما – فیلمی با بازی داریوش ارجمند

عمودی

۱– یک دسته سرباز – ورزش گروهی آبی ۲– خوابیدن – دانا – عروسک آمریکایی ۳– معلق – مشهور و سرشناس – پایگاه اینترنتی ۴– سخن بیمار – طایفه غرب ایران – بیسواد – آب پاک ۵– نیز – شب دراز – شکست خورده ۶– اذیت کردن – انابت – عدد حمام ۷– گرو – میمون آدم‌نما – خانه و سرا ۸– عنق – پذیرفتن – نوبت کاری ۹– حاشیه کتاب – عنکبوت – لوله تنفسی ۱۰– چست و چابک – گذشتن از جایی – همسر فرعون ۱۱– جهنم – زاج سیاه – ضمیر جمع ۱۲– برگ برنده – لقب اشراف انگلیسی – مجازات شرعی – ولخرجی ۱۳– نقاش ارژنگ – غیرایرانی – برهان ۱۴– گیاه رنگرزی – پارچه براق – دوربین فرنگی ۱۵– شوکران – پرهیز کردن

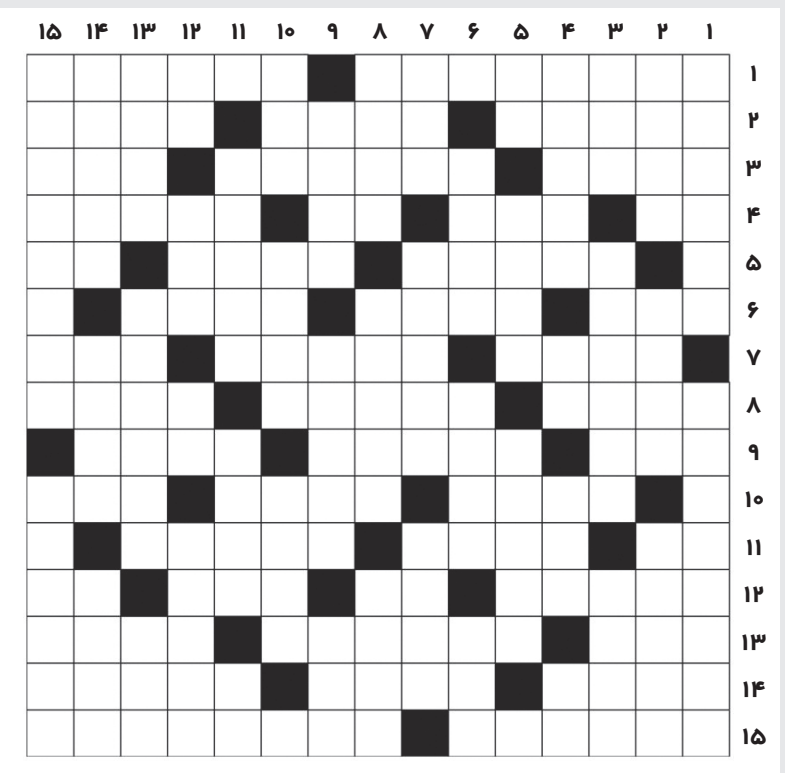
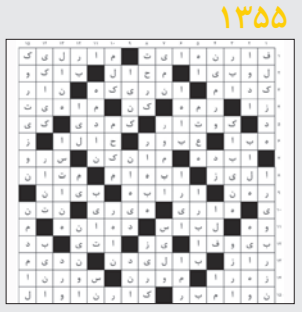
۱۳۵۵